**پدافندهای فرهنگی برای مقابله با تهاجم فرهنگی**

سید محمدجواد قربی[[1]](#footnote-1)

چکیده

تبادل فرهنگی ملت‏ها كه در طول تاریخ در بستری طبیعی ادامه داشته است برای تازه‏ ماندن حیات فرهنگی بشر، امری ضروری است و جامعۀ انسانی را در مسیر سعادت واقعی به پیش می‏برد. اما آنچه امروزه در عرصۀ فرهنگ‌ها شاهد آن هستیم تقابل فرهنگی یا تهاجم فرهنگی است که یک فرهنگ بر سایر فرهنگ‌ها هجوم می‌برد. تجارب‌ بين‌المللي‌ نشان‌ مي‌دهد رابطه‌ يك‌ ابرفرهنگ‌ با فرهنگ‌هاي‌ ديگر بر محور قدرت‌ می‌چرخد‌ و نه‌ كنش‌ فرهنگي. اصولاً‌ در تاريخ‌ گذشته‌ و حال‌ ملت‌ها مشاهده‌ مي‌شود كه‌ در مقابله‌ فرهنگ‌ها، هر فرهنگي‌ كه‌ از چيرگي‌ و ابزارهاي‌ تواناتري‌ برخوردار باشد مايل‌ است‌ ارزش‌هاي‌ خود را در مصاف‌ با ديگران‌ به‌ كرسي‌ بنشاند. در این مسیر تهاجم فرهنگی در مقایسه با تهاجم نظامی یا اقتصادی، دارای ویژگی‏های منحصر به فردی است و دارای برنامه و ابزارهای گسترده است. در عین حال باید اذعان داشت که تهاجم فرهنگی یک تهاجم خزنده و با ماهیتی ارتجاعی است که آن را منعطف می‌سازد. این عوامل، اهمیت پدیده تهاجم فرهنگی و ضرورت تدوین و اتخاذ راهبردهایی در راستای کاربست دفاعی و پدافندی را به خوبی مشخص می‌سازد. پژوهش حاضر مترصد است تا با بهره‌گیری از روش اسنادی و اکتشافی و با هدف پژوهشی و کاربردی، پس از بررسی پدیده تهاجم فرهنگی، به سؤال‌های زیر پاسخ دهد: علت تهاجم فرهنگ‌های غربی علیه ایران چیست؟ و در این مسیر از چه ابزاری استفاده می‌شود؟ سرانجام اینکه چه راهبردها و پدافندهای فرهنگی‌ای برای این پدیده وجود دارد.

واژگان کلیدی: فرهنگ، تهاجم فرهنگی، تبادل فرهنگی، امام خمینی(ره)، پدافند فرهنگی.

مقدمه

تحولات به وجود آمده در قرن حاضر، بحث از فرهنگ و مؤلفه‌های وابسته به آن را در ردیف مهم‌ترین مسائل ملی و بین‌المللی قرار داده است، به‌گونه‌ای که بسیاری از مسائل کلان فرهنگی، پیوندی عمیق با مقولات سیاسی پیدا کرده‌اند. مباحثی همانند فرهنگ و رابطه آن با سنت و تجدد، تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی، تعارض و مقابله فرهنگ‌ها و جزء این‌ها، نشان این آمیختگی فرهنگ و سیاست است. اهمیت و نقش مؤثر فرهنگ در پیشرفت و توسعه یا بازماندگی کشورها سبب شده است تا استعمارگران و سلطه‌جویان از راه تخدیر فرهنگ‌ها و القای فرهنگ مخدر، بهره‌های فراوانی در جهت منافع نامشروع خود به دست آورند و با تحمیل فرهنگ خویش، گردونه تحولات داخلی را به سوی خود به حرکت درآورند و از مسیر سلطه به فرهنگ، اهداف استعماری خودشان را فعلیت بخشند. ستیز فرهنگی غرب با ملل جهان سوم به‌ویژه با حوزۀ فرهنگ دینی در جوامع اسلامی که از دیرزمان آغاز شده، هم‌اکنون شتاب بیشتری یافته است.

هم‌زمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران، غربِ سیلی خورده از مکتب اسلام، دوباره ملت‌های مسلمان را با سلاح کارآمد فرهنگی نشانه گرفت و با اتخاذ شیوه‌های حساب شده، جامعه‌ها، به خصوص قشر جوان را در معرض پذیرش یک نوع التقاط فرهنگی قرار داد، چیزی که اکنون شاهد برخی از مظاهر آن در ابعاد گوناگون زندگی از جمله در شیوۀ برخورد، اخلاق و منش پاره‌ای از جوانان کشورهای اسلامی هستیم. هرگز نباید این نکته را از یاد ببریم که شکل‌گیری هر فرهنگی همواره به صورت تدریجی در بستر جامعه انجام می‌گیرد و اندکی تسامح و غفلت در شناخت حرکت و اهداف فرهنگی دشمن، به او امکان نفوذ از مرزهای نامرئی را خواهد داد (گروه فرهنگ، 1376).

با ورود جهان به‌ پروژه جهانی شدن و عدم مشروعیت جنگ به لحاظ سخت‌افزاری (نظامی)، رقابت میان قدرت‌ها، روی آوردن به جنگ‌های نرم‌افزارانه (جنگ فرهنگ‌ها و تمدن‌ها) را ایجاب می‌کند. در واقع براساس نظریه رئالیسم که جهانِ فاقد اقتدار مرکزی را دامن‌گیر آشوب و رقابت بر سر قدرت می‌داند، این‌بار در عصر جهانی شدن با تسری مفهوم قدرت به حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی، رقابت نظامی جای خود را به رقابت اقتصادی و فرهنگی داده است. مقابله با يك نظام و يك ملت ممكن است به دو شكل مبارزة آشكار و مبارزه پنهان صورت گيرد. امروزه تهاجم فرهنگي از بزرگ‌ترين خطرهایي است كه كشور ايران را تهديد مي‌كند و به هيچ‌وجه نمي‌توان آن را انكار كرد چون به صورت پنهان و خاموش صورت مي‌گيرد و ممكن است گاهي مورد غفلت قرار گيرد.

تهاجم فرهنگي واقعيتي است كه ابعاد پنهان آن بسيار فراتر از ابعاد آشكار آن است. تهاجم فرهنگي به همان ميزان كه نتيجه و محصول خود را آرام و دير به دست مي‌آورد اثرش هم كه به جاي مي‌گذارد ديرپا و درازمدت است و به آساني از فكر جامعه زايل نمي‌شود. فرهنگي‌ كه‌ از پويايي، رشد و خلاقيت‌ دور افتاده‌ باشد و معرفت‌ فرهنگي‌ نسبت‌ به‌ زمان‌ خود و همچنين‌ قابليت‌ و ماهيتِ‌ فرهنگ‌هاي‌ ديگر نداشته‌ باشد، داراي‌ ذهنيتي‌ آسيب‌پذير خواهد بود. فرهنگ‌ مهاجم‌ به‌ فرهنگ‌هاي‌ ديگر فرصت‌ گزينش، بررسي‌ و تحليل‌ محورهاي‌ مثبت‌ فرهنگي‌ را نمي‌دهد. بلكه‌ با برخورداري‌ از قدرت‌ خود، ارزش‌ها و معيارهاي‌ دلخواه‌ را تحميل‌ مي‌كند (رزمی،1390).

1- طرح مسئله

طرح مسئله تهاجم و شبیخون فرهنگی در جریان صف‌آرایی فرهنگی دشمنان علیه فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، تصادفی نیست. دشمن پس از شکست در جنگ هشت ساله، به رواج فرهنگ مبتذل امیدوار شد، تا با اشاعه آن بتواند عقبه انقلاب اسلامی یعنی نوجوانان و جوانان را که امیدهای آینده جامعه اسلامی هستند بمباران فرهنگی کند و در واقع تفکر و تشکل را عقیم سازد که متأسفانه در چند سال اخیر روز به‌روز شاهد گسترش ناهنجاری‌های فرهنگی در سطح جامعه بوده و هستیم و یکی از مهم‌ترین مسائلی که آرامش واقعی و امنیت جامعه اسلامی ما را تهدید می‌کند همین مسئله تهاجم فرهنگی است.

از سویی، یکی از موضوعات بسیار مهم در دنیای کنونی استفاده از نیروهای مردمی در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی توسط دولت‌ها و حکومت‌های مشروع می‌باشد، چرا که وجود افراد جامعه در صحنه‌های مختلف می‌تواند عامل بسیار مهمی در مشروعیت یک نظام محسوب شود و آن کشور را در صحنه‌های داخلی و خارجی با پشتوانه‌ای قوی رو به‌رو سازد و از نظر سیاسی و نظامی و فرهنگی اهرمی باشد برای پیشگیری و جلوگیری از تهاجم فرهنگی و تواناسازی حکومت (امیری، 1389). حال یک سؤال پیش می‌آید و آن این است که اصلاً تهاجم فرهنگی چیست؟ علت روی آوردن دشمنان به تهاجم فرهنگی علیه ایران چیست و در این راستا از چه ابزاری بهره گرفته می‌شود؟ در عین حال چه راهبردهایی برای مقابله با آن وجود دارد؟

2- چارچوب مفهومی در باب فرهنگ

در مورد فرهنگ، تعاريف‌ مختلفي‌ عرضه‌ شده‌ است‌ كه‌ هر يك‌ از زاويه‌اي‌ خاص‌ به‌ اين‌ مقوله‌ توجه‌ نموده‌اند (روح‌الامینی، 1368). فرهنگ[[2]](#footnote-2) در لغت به معنای دانش[[3]](#footnote-3)، فن[[4]](#footnote-4)، ادب[[5]](#footnote-5)، علم[[6]](#footnote-6)، شناخت[[7]](#footnote-7) و تعلیم و تربیت[[8]](#footnote-8) است. زمانی که در خصوص فرهنگ سخن گفته می‌شود، دو دسته عناصر را می‌توان از همدیگر تفکیک کرد: عناصری که به ذهنیات، اعتقادات، نگرش‌ها و تمامی آنچه به تفکر و اعتقادات برمی‌گردد مرتبط است. در سوی دیگر عناصری که به امور ملموس اشاره دارد، به عبارت دیگر تمامی آن چیزی که قابل لمس و عینی باشد، یعنی قسمت مادیات فرهنگ (ملائی، 1387).

|  |  |
| --- | --- |
| دسته‌بندی | فرهنگ |
| الف) بُعد معنوی | 1- اندیشه‌ها  2- بینش‌ها، عقاید و گرایش‌ها  3- هنر، ادبیات و غیره  4- ارزش‌ها، اخلاقیات و مکارم و  5- نمادها |
| ب) بُعد مادی | 1- نیازهای جسمانی و مادی  2- روش‌های تأمین نیازهای جسمانی |

اصطلاح فرهنگ به معنی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی آن نخستین‌بار به وسیله مردم‌شناس انگلیسی "ادوارد بارنت تایلور" در سال 1871 در کتابی تحت عنوان "فرهنگ ابتدایی" به‌کار رفت. وی در تعریف فرهنگ می‌گوید «فرهنگ مجموعۀ پیچیده‌ای است که دربرگیرنده دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگر است که انسان به‌عنوان عضوی از جامعه به دست می‌آورد».

بعضی از محققان به صورت توصیفی یا تشریحی این مفهوم را شامل تمام فعالیت‌های گسترده اجتماعی می‌دانند و بعضی دیگر به صورت تاریخی فرهنگ را به مثابه میراث اجتماعی و سنت قلمداد کرده‌اند. همچنین برخی از دیدگاه مقولة هنجاری، آن را مبتنی بر قواعد و راه و روش‌های زندگی معرفی، و بعضی نیز براساس دانش روان‌شناختی، در بررسی این مفهوم بر توضیح مفهوم عادت تکیه کرده‌اند. مهم‌ترین تعریف از فرهنگ همان تعریف تکوینی آن است که فرهنگ را راهنمای همه فعالیت‌های انسانی می‌داند. فرهنگ عامل مبین رفتار انسان و در عین حال، توانایی خاص بشر است (توکل‌فر، 1379).

2- 1. خصوصیات فرهنگ

خصوصیات فرهنگ را می‏توان به شرح زیر ارائه كرد:

الف) آموختنی و اكتسابی است: افرادِ هر نسل، میراث فرهنگی را از نسل گذشته دریافت می‏كنند و به نسل بعدی می‏سپارند؛

ب) زنده است: جنبۀ پذیرندگی فرهنگ مربوط به زنده بودن آن است و توقف فرهنگ، مساوی با مرگ آن است؛

پ) فطرتِ ثانوی انسان است: یعنی به خودی خود عمل می‏كند؛ براین اساس است كه ارزش‏ها، بایدها و نبایدها و اهداف و عادات، پایه‏های فرهنگ را می‏سازند؛

ت) فراتر از سواد و تحصیلات است: زیرا با فطرت و سرشت انسان‏ها مرتبط است؛

ث) هویت‏دهنده است: یعنی تنظیم‏كنندۀ روابط اجتماعی و تضمین‏كنندۀ نوع بینش و نگرش فرهنگ‏پذیر است؛

ج) نسبی است: فرهنگ متنوع است، تدابیر و روش‏ها از یك گروه به گروه دیگر فرق می‏كند و هر قومی طرز تفكر و عادات ویژه‏ای دارد؛

چ) منتقل شدنی است: هر گروه انسانی میراث اجتماعی (فرهنگ) خود را به دیگران انتقال می‏دهد؛

ح) خاص انسان است: فرهنگ شامل گذر از مرحلۀ غریزی به رفتارِ آموخته است كه الگوهای آن می‏تواند از شخص یا نسلی به شخص یا نسل دیگر منتقل شود؛ در واقع مفهومی تجریدی از مشاهدۀ رفتار انسان‏هاست. (جاودانی، بی‌تا).

2-2. گونه‌شناسی فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری:

فرهنگ شامل دو جزء اصلی است. فرهنگ از مظاهر فرهنگی مانند زبان و خط و امثال این‌ها و از عناصر تشکیل دهندة باطن و اصلِ پیکرة فرهنگ ملی همچون عقاید، آداب اجتماعی، مواریث ملی، خصلت‌های بومی و قومی، وسیع‌تر است. این‌ها ارکان و مصالح تشکیل دهنده فرهنگ یک ملت است. نکته مهم این است که این دو جزء باید در تعامل سیستمی با هم باشند و ظاهر فرهنگ باید مبتنی بر باطن فرهنگ باشد (حاتمی، 1387، ص12). به هر حال انواع فرهنگ عبارت است از:

الف) فرهنگ ملی:

عاملی که یک ملت را به رکود و خمودی یا تحرک و ایستادگی یا صبر و حوصله یا پرخاشگری و بی‌حوصلگی یا اظهار ذلت در مقابل دیگران یا احساس غرور و عزت در مقابل دیگران یا به تحرک و فعالیت تولیدی یا به بیگاری و خمودی تحریک می‌کند، فرهنگ ملی است (بیانات مقام معظم رهبری، 8 دی 1383).

ب) فرهنگ عمومی:

فرهنگ شکل‌دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه است. اندیشیدن و تصمیم‌گیری جامعه براساس فرهنگی است که بر ذهن آنها حاکم است (بیانات مقام معظم رهبری، 26 آذر 1381).

پ) فرهنگ تخصصی:

فرهنگ به تصمیمات کلان کشور - حتی تصمیم‌های اقتصادی، سیاسی و مدیریتی، جهت می‌دهد. وقتی ما می‌خواهیم ساختمان بسازیم و شهرسازی کنیم در واقع با این کار داریم فرهنگی را ترویج می‌کنیم یا تولید می‌کنیم یا اشاعه می‌دهیم (بیانات مقام معظم رهبری، 26 آذر 1381).

ت) فرهنگ سازمانی:

فرهنگ اداره معادل فرهنگ سازمانی است و در ادبیات مدیریت در حکم یک مقوله جدی مورد توجه است و می‌تواند در مقطعی، فرهنگ‌سازتر از دستگاه‌های فرهنگی باشد (بیانات مقام معظم رهبری، 26 آذر 1381).

2-3. جهاني‌ شدن فرهنگ

با ظهور عصر دوم رسانه‌ها، نوع جديدي از جامعه ظهور كرده است كه وسايل ارتباطي جديد در آن جامعه همگي در راستاي جهاني‌شدن فرهنگ عمل مي‌كنند. در جامعه جديد، جهان كه به نظر "مارشال مك لوهان" در عصر ارتباطات به دهكده كوچك تبديل شده بود، به صورت يك دهكده الكترونيك درآمده است، زيرا در اين جهان جديد همه مي‌توانند به راديو و تلويزيون و رسانه‌هاي الكترونيك جديد و آخرين اطلاعات منتشر شده دسترسي داشته باشند. در اين جهان، يك انسانِ برای مثال اتيوپيايي مي‌تواند با داشتن اندك امكانات، مانند يك انسان اروپايي و امريكايي از اطلاعات روزآمد و جديد در همه زمينه‌ها استفاده كند و در صورت لزوم، اطلاعاتي را توليد و براي مصرف‌كنندگان بي‌شمار ارسال كند.

بسياري از محققان و نظريه‌پردازان مكتب انتقادي بر آن هستند كه اين امر صورت ساده شدة مسئله مربوط به رسانه‌هاي جديد الكترونيك و جهاني‌شدن اطلاعات است. اين گروه معتقدند جهاني‌شدن در معناي واقعي‌اش، غربي شدن، يكنواخت شدن و هماهنگ كردن فرهنگ جهان با فرهنگ غربي است. از نظر آنها، تمام شبكه‌هاي پيشرفته ماهواره‌اي در غرب، توليد و راه‌اندازي مي‌شود. همچنين تمام سيستم‌هاي ارتباط جديد، اعم از اينترنت و سرورهای[[9]](#footnote-9) مرتبط با آن و حتي نرم‌افزارهاي مادر، توسط شركت‌هاي بزرگ چندمليتي ساخته شده و مقر همه آنها در اروپا و به خصوص امريكاست. و از همه جالب‌تر آنکه كاربرد غالب زبان انگليسي در شبكه اينترنت و سايت‌هاي مرتبط با آن، مبين بسط يافتن قدرت امريكاست. از سوي ديگر در عصر دوم رسانه‌ها ما بيش از گذشته شاهد تجاري شدن فزاينده بخش فرهنگ در جامعه هستيم. در اين عصر، فرهنگ نيز مانند كالا از طرف بسياري از توليدكنندگانِ قو‌ي‌تر و با نفوذتر، توليد و در اختيار بسياري از مصرف‌كنندگان منفعل قرار مي‌گيرد. رسانه‌هاي الكترونيكي جديد، انتقال‌دهندگان سريع فرهنگ غربي (ارزش‌ها، نوع دين‌داري، موسيقي، هنر، تفريحات و غیره) به اقصي نقاط جهان هستند و عوامل اصلي تغييرات فرهنگي در جهان سوم به شمار می‌روند (دورینگ، 1378). بر این اساس، اذهان عمومی متوجه یک سؤال می‌شوند که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

3. تهاجم فرهنگی در سطح ایده:

نظریه‌پردازان و محققان در خصوص تعریف واحد در باب تهاجم فرهنگی در سطح نظری، دارای اختلافات بسیاری هستند و بر یک تعریف واحد تکیه ندارند. در زیر به برخی از تعاریف اشاره خواهیم داشت:

- تهاجم فرهنگی آن است که جامعه‌ای تلاش کند فرهنگ خودش را بر جامعۀ دیگری که طبعاً دارای فرهنگ خاصی است، تحمیل کند یا دست‌کم، نوعی دگرگونی در فرهنگ آن جامعه به‌وجود آورد (مصباح یزدی، 1387، ص71).

- تهاجم فرهنگی حرکتی است حساب شده، همراه با برنامه‌ریزی دقیق، که با بهره‌گیری از شیوه‌های متعدد و متنوع برای سست کردن باورها، دگرگونی ارزش‌ها، انحراف اندیشه‌ها، تغییر و تبدیل آداب و سنن و نابودی اصول اخلاقی حاکم بر یک جامعه انجام می‌گیرد (امیری، 1389، ص33).

- تهاجم فرهنگی هجومی است از سوی یک نظام فرهنگی خاص به نظام فرهنگی دیگر که از طریق شیوه‌ها و ابزارهای خاص فرهنگی و به صورت یک‌جانبه و ناگهانی صورت می‌گیرد و هدف اساسی آن، جایگزینی ارزش‌ها، روش زندگی، اخلاقیات و نظام مکتبی فرهنگ مهاجم به جای ارزش‌ها، عقاید، روش زندگی، اخلاقیات و نظام مکتبی فرهنگ مورد تهاجم است.

- تهاجم فرهنگی به طور عموم به جریاناتی اطلاق می‌شود که در آن فرهنگ بومی و اصلی یک جامعه یا کشور، چه از طریق داخلی و چه از طریق خارجی مورد حمله و تسلط نظام فرهنگی دیگری قرار گیرد. یا به تعبیر دیگر، تهاجم فرهنگی یعنی تهی کردن جامعه از فرهنگ خودی و جایگزینی فرهنگ مورد نظر دشمن.

- تهاجم فرهنگی به این معنی است که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خاص خود و اسارت یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. در این هجوم باورهای تازه‌ای را به زور و به قصد جایگزینی با فرهنگ و باورهای ملی، وارد کشور می‌کنند (امیری، 1389، ص34-33). البته باید توجه داشت که بحث از ایده بودن تهاجم فرهنگی و بررسی آن در سطح نظری، به معنای نادیده گرفتن مسئله تهاجم فرهنگی به مثابه یک واقعیت و پدیده بودن آن ندارد.

3-1. تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی

تبادل فرهنگی ملت‏ها در طول تاریخ به شكلی طبیعی وجود داشته و عاملی برای رشد و تعالی مستمر فرهنگ‌ها بوده است. تبادل فرهنگی برای تازه ‏ماندن معارف و حیات فرهنگی بشر امری بسیار ضروری است و جامعه انسانی را در ارتقای ارزش‏ها و پیمودن مسیر سعادت واقعی به پیش می‏برد. این جریان فرهنگی دو سویه است و هنگام قوت و توانایی ملت‏ها صورت می‏گیرد. در این روند، ملت‏ها با هدف ترویج ارزش‏های بشری، به تبلیغ ایده‏آل‏ها و معیارهای خود می‏پردازند و نیز عناصر و مفاهیم برجستۀ فرهنگ‏های دیگر را وام می‏گیرند.

گسترش اسلام در برخی از مناطق جهان، از جمله شرق آسیا، از طریق رفت و آمد مسلمانان ایران به این مناطق، از نمونه‏های قابل استنادی است كه پیامدهای مثبت تبادل فرهنگی را برای جامعۀ بشری به خوبی اثبات می‏كند. در تبادل فرهنگی، هدف اصلی باردار كردن و كامل كردن فرهنگ ملی است و از این دیدگاه، تردیدی نیست كه در برخورد با فرهنگ غرب نیز تبادل صحیح فرهنگی، منشاء آثار مثبتی خواهد بود. بنابراین، اساساً تبادل فرهنگی و تهاجم فرهنگی در دو جهت مخالف قرار دارند.

«تبادل فرهنگی فرآیندی متقابل و طبیعی است و با رضایت طرفین صورت می‏گیرد؛ ولی تهاجم فرهنگی یك‌طرفه، غیرداوطلبانه و سلطه‏گرانه است و اهداف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی نظامی دارد. معرفی، انتقال و جایگزینی ارزش‏ها در تهاجم فرهنگی به طور طبیعی تحمیلی است؛ در واقع در تبادل فرهنگی، هدف به روز كردن و كامل كردن فرهنگ ملی است، ولی در "تهاجم فرهنگی" هدف ریشه‏كن كردن و از بین بردن فرهنگ ملی است. قابل توجه است كه فرهنگ‏پذیری یا تعامل فرهنگی، زمانی میسر است كه هیچ‏گونه نابرابری اجتماعی یا سیاسی بین دو فرهنگ وجود نداشته و هیچ‏كدام برتری مادی یا معنوی نسبت به دیگری نداشته باشند» (جاودانی، بی تا، صص4-3).

در مقابل، در سایۀ برتریِ فناوری، قدرت نظامی، امكانات بیشتر اقتصادی و فنی، و برنامه‏ریزی سیاسی است كه تسلط پدیده‏های فرهنگی یك جامعه بر دیگری انجام می‏گیرد. در مجموع می‏توان گفت: در تبادل فرهنگی سه اصل گزینش، تحلیل و جذب و اصل تولید فرهنگی، مد نظر متولیان فرهنگی یك جامعه است و این افراد برای زنده و پویا نگه داشتن فرهنگ خودی، عناصر فرهنگ بیگانه را بررسی و عناصر مثبت آن را گزینش و پس از تحلیل و تعیین تناسب آن با فرهنگ بومی، آن را جذب می‏كنند و به شكل عنصری از فرهنگ خودی درمی‏آورند.

تفاوت تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی را می‏توان در موارد ذیل دانست:

در تهاجم، هدف تخریب است، اما در تبادل فرهنگی هیچ كدام از دو فرهنگ قصد تخریب فرهنگ مقابل را ندارد و هدف انتقال و نشر فرهنگی است. در تهاجم، یك ملت برای جایگزینی فرهنگ خود، به نحوی ظالمانه سعی در ریشه‏كنی فرهنگ مقابل دارد، اما در تبادل فرهنگی چنین نیست. در تبادل فرهنگی، همواره جنبه‏های مثبت و انسانی مطرح است؛ بدین معنا كه دو طرف قصد بارور كردن، تكامل بخشیدن و ارتقای یكدیگر را دارند؛ در حالی كه در تهاجم فرهنگی اهدافِ خیرخواهانه در میان نیست. بلكه قلع و قمع، ارعاب، بی‏هویت كردن و ایجاد سلطه، مدنظر است. در تهاجم فرهنگی، قصد استیلا و به طور كلی، غرض سیاسی مأخوذ است و مهاجم اصولاً بقای فرهنگ مقابل را به هیچ عنوان نمی‏پذیرد (جاودانی، بی‌تا، صص4-3).

3-2. تهاجم فرهنگی و دیدگاه امام خمینی(ره):

از نظر امام خمینی(ره)، امپریالیست‌ها برای چپاول ذخایر تحت‌الارضی، سعی در فاسد کردن ذخایر فوق‌الارضی (جوانان) دارند و درصدد آن هستند که نگذارند جوانان، رشد فرهنگی پیدا کنند و تربیت اسلامی بیابند، بلکه آنان را مادی و غرب‌زده و منحرف بار آورند و از اسلام و فرهنگ اسلامی دور نگه دارند. برای این منظور، مراکز فحشا و خوشگذرانی و عیش و عشرت درست می‌کنند تا از شکوفایی استعدادها و رشد افکار نسل جوان جلوگیری به عمل آورند و مانع از دخالت جوانان در سیاست گردند تا جوانان نسبت به شئونات مملکت بی‌تفاوت باشند و کشورهای ضعیف از باطن فاسد شوند (دهشیری، 1380، ص272).

به نظر امام راحل، رواج فساد و فحشا از سوی امپریالیست‌ها برای آن است که فرهنگ استقلال جامعۀ کشورهای ضعیف به فرهنگ اجنبی که ام‌الامراض است تبدیل شود و از این طریق بتواند استقلال فکری و روحی ملت‌ها را گرفته و آنان را وابسته روحی و خودباختۀ خویش سازد و غرب‌زده یا شرق‌زده بار آورد. بدین معنی که امپریالیست‌ها با نومیدسازی و شست‌وشوی مغزی ملل مستضعف می‌خواهند این ملت‌ها باور کنند که هیچ ندارند و کاری نمی‌توانند انجام دهند (مصباح یزدی، 1387، ص19). ایشان در جایی دیگر در باب تهاجم فرهنگی و هوشیاری در قبال این پدیده‌ها می‌فرمایند:

ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید، بپاخیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات سالم مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرت‌ها، از ممالک خود و خزائن سرشار آن، کوتاه کنید و مجد اسلامی را اعاده کنید و دست از اخلاقیات و هواهای نفسانی بردارید، که شما دارای همه چیز هستید. بر فرهنگ اسلام تکیه زنید و با غرب و غرب‌زدگی مبارزه نمایید و روی پای خودتان بایستید و بر روشنفکران غرب‌زده و شرق‌زده بتازید و هویت خویش را دریابید و بدانید که روشنفکران اجیر شده، بلایی برسر ملت و مملکتشان آورده‌اند که تا متحد نشوید و دقیقاً به اسلام راستین، تکیه ننمایید، بر شما آن خواهد گذشت که تاکنون گذشته است. امروز زمانی است، که ملت‌ها باید چراغ راه روشنفکرانشان شوند و آنان را از خودباختگی و زبونی در مقابل شرق و غرب، نجات دهند که امروز، روز حرکت ملت‌ها است (صحیفه نور، ح14، ص83).

3-3. ریشه‌های تهاجم فرهنگی از دیدگاه رهبری:

رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنرانی‌های متعدد به علل و ریشه‌های تهاجم فرهنگی به انقلاب اسلامی اشاره نموده‌اند (کریمیان، 1390ف صص 3-2). در مجموع می‌توان با استناد به رهنمودهای ایشان، علل و ریشه‌های تهاجم فرهنگی به انقلاب اسلامی را در چهار دسته برشمرد.

3-3-1. احیاء و اعتلای اسلام انقلابی در ایران و جهان:

در این زمینه مقام معظم رهبری با تأکید بر شواهد تاریخی معتقدند که:

اسلام هرگاه در چهره واقعی خود آشکار شده با دشمنی‌های شدید مواجه شده است و هرگاه از چهره واقعی خود خارج شده، دشمنی‌ها نیز کم شده است. به این معنا، اسلامی که محافظه‌کار است و با ظلم و فساد سازگار باشد مورد دشمنی قدرت‌های بزرگ قرار نمی‌گیرد، اما اسلامی که با ظلم و زورگویی درافتد و چپاول‌گری و فساد را محکوم کند باید انتظار دشمنی ابرقدرت‌ها و امریکا و صهیونیسم و کمپانی‌های غارت‌گر و سلاطین فاسد را داشته باشد. به این ترتیب مواجهه قدرت‌های مسلط عالم با انقلاب اسلامی نیز به علت احیاء اسلام انقلابی است که "ظلم و فساد و انحطاط اخلاقی را در محیط زندگی بشر تحمل نمی‌کند". بنابراین "برای نظام‌هایی که بر پایه ظلم و فساد و انحطاط بنا شده‌اند، خطری حقیقی است" به همین علت، کینه‌ورزی قدرت‌های استعماری و امریکا با انقلاب اسلامی و اسلام، چه با شیوه‌های فرهنگی و چه سیاسی، با زور و سرنیزه از روی احساس ضعف و ترس در برابر موج فزاینده اسلام است (بیانات مقام معظم رهبری، 21 مرداد 1371).

3-3-2. انقلاب اسلامی، آغاز عصر دین و معنویت:

از دیدگاه مقام معظم رهبری، با ظهور انقلاب اسلامی در ایران و تداوم آن، باورها و اعتقادات مذهبی نه تنها در ایران و کشورهای اسلامی بلکه در سطح جهانی و در کشورهایی که با روش‌های ضدمذهبی زندگی کرده‌اند، گسترش یافته و اعتنا به معنویت و فضایل انسانی رشد کرده است، در حالی که نظام سلطه جهانی بر این بود که دین و معنویت را به کلی از متن زندگی حذف کند و جامعه بشری را یک جامعه بی‌دین و بی‌ایمان و بی‌اعتقاد به ارزش‌های الهی تربیت نماید، این دوران جدید درست به عکس آن سیاست‌ها عمل کرد. از سویی خصوصیت دیگر این عصر جدید، معنا بخشیدن به ارزش انسان‌ها و حضور مؤثر توده‌های میلیونی مردم در دوران جدیدی است که به‌وسیله امام(ره) آغاز شده و دایره آن منحصر به ایران هم نیست (کریمیان، 1390). توده‌های مردم تعیین‌کننده و تصمیم گیرنده‌اند و آنها هستند که جریان‌ها را هدایت می‌کنند. به این معنا:

گسترش معنویت و گرایش به مذهب و نیز گسترش ایده استقلال‌طلبی با تأکید بر حضور مردم در تعیین سرنوشت خود، عرصه را بر فعالیت‌های فرهنگ سلطه تنگ می‌نماید از سوی دیگر، تشکیل یک حکومت دینی در عصر جدید، در دنیایی که فرهنگ سلطه و سرمایه‌داری بر سکولاریسم و جدایی دین از سیاست تأکید دارد، نیز بین فرهنگ سلطه و سرمایه‌داری با فرهنگ انقلاب اسلامی تعارض ایجاد می‌نماید (بیانات مقام معظم رهبری، 21 مرداد 1371).

3-3-3. جمهوری اسلامی ایران، ام‌القراء و کانون حرکت جهانی اسلام

از دیدگاه مقام معظم رهبری یکی از دلایل اصلی تهاجم فرهنگی به انقلاب اسلامی، محوریت جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان ام‌القراء و کانون حرکت جهانی اسلام است. ایشان در این خصوص می‌فرمایند:

بدیهی است که آماج اصلی همه توطئه‌هایی که در ده سال گذشته علیه اسلام طراحی شده جمهوری اسلامی بود که ام‌القرای اسلام و پیشاهنگ حرکت جهانی آن محسوب می‌شود... جنگ تحمیلی هشت ساله، و محاصره اقتصادی و انواع حملات بی‌شمار سیاسی، تبلیغاتی و اقتصادی علیه جمهوری اسلامی در حقیقت با انگیزه فشار بر اسلام و دشمنی با آن انجام گرفت. «عصبانیت دستگاه استکبار و به خصوص امریکا از این است که می‌بیند بیداری اسلامی در سرتاسر جهان، روز به‌روز بیشتر می‌شود. این‌ها امیدوار بودند با گذشت زمان، شعارهای جمهوری اسلامی در دنیا کهنه و بی‌اثر بشود، لکن نشد (بیانات مقام معظم رهبری، 21 مرداد 1371).

3-3-4. ضدیت انقلاب اسلامی با نظام سلطه حاکم بر جهان:

یکی از دلایل تهاجم فرهنگی به انقلاب اسلامی، تعارض انقلاب اسلامی با نظام سلطه سیاسی و فرهنگی قدرت‌های بزرگ است. جمهوری اسلامی با نظام کنونی تسلط و اقتدار در دنیا مخالف است، ... اینکه در میدان زندگی و سیاست چند کشور از کشورهای بزرگ و ثروتمند حق دارند سرنوشت کشورهای دیگر را به دست بگیرند، این را قبول نداریم، و اینکه فرهنگ فساد و ابتذال از جوامع اروپایی و امریکایی باید سرازیر و سرریز بشود به سمت جوامع دیگر که هر کدام فرهنگ خاص خودشان را دارند، این را قبول نداریم، و اینکه هر چه اروپایی خوب می‌داند، باید به نظر همه ملت‌ها خوب باشد، ولو در نظر فرهنگ خود آن ملت پسندیده نباشد و هر چه را اروپایی بد می‌داند باید در نظر ملت‌ها بد باشد ولو از نظر فرهنگ آن کشورها بد نباشد - مثل وضعی که امروز در دنیا هست - ما این را قبول نداریم ... ما با این مبارزه کردیم و مبارزه می‌کنیم و هر جا اسلام باشد با این سلطه‌گری مبارزه می‌کند و بنابراین با اسلام مخالفند (بیانات مقام معظم رهبری، 21 مرداد 1371).

3-4. ابزارهای کاربردی تهاجم فرهنگی

مهاجمان فرهنگی، مسائل و مفاهیم مورد نظر خود را به تدریج از طریق وسایل و ابزارهای گوناگونی ترویج می‏کنند. مهم‏ترین ابزار مورد استفاده در تهاجم فرهنگی عبارت‏اند از (صادقی، 1377):

3-4-1) آموزش، زبان، ترجمه و اصطلاحات:

آموزش به سبک غربی یکی از روش‏های استعماری نفوذ در کشورهای جهان سوم بوده است؛ یکی از کارکردهای پنهان این برنامه‏های آموزشی که در ظاهر به منظور پیشرفت علمی در این کشورها اجرا شده، زمینه‏سازی برای پذیرش فرهنگ بیگانه و برتر جلوه دادن آن و انهدام فرهنگ ملی بوده است. این برنامه‏ها بدون در نظر گرفتن موقعیت فرهنگ بومی و با هدف تربیت نیروهایی هماهنگ با سیاست‏های استعماری اجرا شده است، اما در مقام عمل، عده‏ای از همین تحصیل‏کرده‏ها با آگاهی از روش‏های استعماری به مبارزه با سیاست‏های استعماری برخاستند که نتیجۀ آن استقلال برخی از این کشورها بوده است. این نوع از آموزش در ایران، آن هم توأم با تهدید و ارعاب مردم، از دورۀ رضاخان آغاز شد. این آموزش‏های کلاسیک، به صورت غیرمستقیم، فرهنگ بیگانه را ترویج کرد. زبان نیز می‏تواند مهم‏ترین ابزار نفوذ فرهنگ بیگانه باشد. اگر به‌جای استفاده از واژگان فارسی، استفاده از لغات بیگانه به صورت افسارگسیخته در محاورات رسمی و عمومی رواج یابد، نسل جدید ممکن است در آینده از معادل فارسی آن لغات محروم و بی‏خبر بماند. در مورد ترجمه نیز می‏توان گفت که اگر آموخته‏های فارغ‏التحصیلان ما عمدتاً از متون ترجمه شده باشد، دانشجویان امکان تفکر مستقل را از دست می‏دهند و اصطلاحات بیگانه به تدریج به‌جای اصطلاحات هماهنگ و مأنوس با فرهنگ خودی می‏نشیند.

3-4-2) کتب و نشریات:

انتشار کتاب بدون در نظر گرفتن تطابق آن با فرهنگ بومی و بدون توجه به پیامدهای منفی پنهان برخی از کتاب‏ها، می‏تواند در تقویت تهاجم فرهنگی دشمن مؤثر باشد. با بررسی وضعیت انتشار کتاب در ایران در سال‏های اخیر می‏توان نشان داد که آیا دشمن از این عرصه توانسته است در فرهنگ ایرانی نفوذ کند یا خیر؟ چیزی که اثبات آن به یک تحقیق مستقل نیازمند است. در نشریات نیز گاهی ارزش‏های منطبق با اهداف فرهنگ خودی با روش‏های غلط انتقال می‏یابد، و در نتیجه تأثیر معکوس دارد. همچنین ارزش‏های مغایر با اهداف فرهنگ اسلامی با روش‏های ناملموس و پنهان و به ظاهر موجه منتقل می‏شود که خود نمونۀ بارز "تهاجم فرهنگی" است (اقتباس از جاودانی، افتخاری، ۱۳۷۷).

3-4-3) تبلیغات گسترده از طریق فناوری ارتباطات:

وسایل ارتباط جمعی به دلیل ویژگی‏هایی که برای آن برشمرده‏اند بسیار مورد توجه عاملان تهاجم فرهنگی قرار می‏گیرد؛ از جمله: پوشش فراگیر، فرامحیطی بودن، چندحسی بودن، قابلیت آموزش غیرتخیلی داشتن، قابلیت تطابق داشتن با فهم عوام و فرازَمان بودن. وسایل ارتباطی با قابلیت‏ها و ویژگی‏های مخصوص به خود، هنگامی که در دست تشکیلاتی قرار می‏گیرد که هدفی جز تخریب فرهنگ یک قوم و جایگزینی آن با فرهنگ سلطه‏گر و استعماری ندارد، تبدیل به ابزار و عاملی خطرناک در جهت هجوم فرهنگی می‏شود. متأسفانه این ابزار شمشیر دولبه‏ای است که استکبار جهانی لبۀ مخرب و فسادانگیز آن را برای قطع ریشه‏های فرهنگی یک قوم به کار می‏گیرد. اینترنت، رادیو، تلویزیون، سینما، روزنامه، ویدئو و ماهواره و… ابزارهای فراگیری هستند که بررسی نقش هریک از آنها در تهاجم فرهنگی نیاز به یک تحقیق مستقل و همه‌جانبه دارد که در مجال دیگری باید به آن پرداخت. اما مهم این است که امروزه فرهنگ غرب بر وسایل ارتباط جمعی در جهان تسلط دارد و از طریق خبرگزاری‏ها و شبکه‏های رادیو و تلویزیون و سینما علیه انقلاب اسلامی فعالیت می‏کند.

3-4-4) ترویج کالاهای لوکس مصرفی و الگوهای تجمل‏گرایی:

این الگوی مصرف که مهم‏ترین ویژگی آن وابستگی به کشورهای صنعتی است، با رشد و گسترش خود، ابتدا الگوی تولید و توزیع و سپس کل اقتصاد و فرهنگ جامعه را تحت‌الشعاع قرار می‏دهد، به‌گونه‏ای که تداوم وضع موجود تقریباً بدون هیچ‏گونه فشار و اجباری صورت می‏گیرد.

3-4-5) شعارهای تبلیغاتی فرهنگ بیگانه:

کودکان ما از همان ابتدا می‏آموزند که باید از فرهنگ خود، تولید خود، خط و زبان خود احساس حقارت و شرم کنند؛ می‏آموزند که حروف خارجی خوب و قشنگ هستند و همۀ چیزهای خارجی بهتر از داخلی است. این بزرگ‏ترین ظلمی است که در حق کودکان و نوجوانان صورت می‏گیرد.

یکی از روش‏های زیرکانۀ "تهاجم فرهنگی" چاپ و توزیع پوسترها و عکس‏هایی است که با رنگ و لعابی خاص در دسترس جوانان قرار می‏گیرد (جاودانی، بی تا، صص3-2)



3-5. عوامل تهاجم فرهنگی

عوامل تهاجم فرهنگی را می‏توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف) عوامل برون‏زا:

زمینه‏ها، عناصر و ابزاری که به نحوی ردپای کشورهای خارجی (غربی) در آنها دیده می‏شود عوامل برون‏زا هستند؛ از جمله: اعزام مستشرقین، تلاش برای دین‏زدایی از راه‌های مختلف، ایجاد روحیۀ خودباختگی فرهنگی، ساخت و فروش وسایل ارتباطی، نظیر ماهواره و ویدئو و غیره. سیاست‏گزاران و طراحان کشورهای سلطه‏جو این عوامل را طراحی و برنامه‏ریزی می‏کنند و افراد داخلی آن را به اجرا درمی‏آورند.

ب) عوامل درون‏زا:

زمینه‏ها، عناصر و ابزاری که ریشۀ داخلی داشته و غیرمستقیم یا مستقیم به پذیرش تهاجم فرهنگی از خارج به داخل کمک می‏کنند عوامل درون‏زا هستند؛ از جمله: زمینه‏هایی همچون بیکاری، فقر اقتصادی، نابسامانی خانوادگی، غفلت مسئولین فرهنگی و اجتماعی و ناآگاهی جوانان و نوجوانان و غیره (نک: مسگرنژاد، ۱۳۷۳).

4. پدافند فرهنگی؛ راهکارهای پیشنهادی در راستای مقابله با تهاجم فرهنگی

از آنجا که تهاجم فرهنگی، یک پدیده خطرناک و تأثیرگذار است بهتر است تا در قبال این خطر، راهکارهایی را ارائه دهیم که به شرح زیر است:

4-1. فیلترینگ فرهنگی:

از جمله راهکارهای اعتدال فرهنگی علاوه بر صیانت از مرزهای فرهنگی پالایش فرهنگ کشور از اضافات و آلودگی‌های فرهنگ و مظاهر غرب است. رهبر معظم انقلاب در این خصوص می‌فرماید:

ما در زمینه فرهنگی برای اینکه بتوانیم در برابر تهاجم سیل‌آسای فرهنگ غربی که از صد سال پیش یا زودتر علیه ما شروع شده و همچنان ادامه دارد بنابراین ما برای احیاء فرهنگ اسلامی به پالایش صحیح این فرهنگ نیاز داریم و با مظاهر فرهنگ غربی چه در زمینه‌های ذهنی و چه در زمینه‌های علمی مبارزه کنیم و حتی به آن فرهنگ‌ها تهاجم کنیم، زیرا در همه میدان‌ها بهترین دفاع، هجوم است و آن کسی که هجوم می‌کند، در حقیقت از حیثیت و موجودیت خودش دفاع کرده است.

علت هجوم فرهنگ غرب به فرهنگ اسلامی ما کاملاً روشن است زیرا ما به لحاظ شرایط خاص و تجربه چندین هزار ساله فرهنگی و دین‌داری و اینکه دین و فرهنگ پرچمدار تحولات و جریان‌ها در ایران بوده است و عامل پایداری ما در برابر تمام فشارها بوده است، برهمین اساس ما نیاز داریم به طور کامل و دائم، فرهنگ کشور را رصد کنیم و با شناخت از کاستی‌ها و فرآیندهای شکل‌گیری، پردازش و نمودهای عملی رفتاری و زمینه‌سازی فرهنگی کشور را فراهم و از تمام داشته‌های خود برای صیانت از فرهنگ خویش و حمله به مظاهر فسادانگیز غرب استفاده کنیم. برای مثال در حالی که فرهنگ اسلامی ما دارای روحیه جمع‌گرایی است و منافع جمع را بر منافع فرد ترجیح می‌دهد، اقتصاد غرب روحیه فردگرایی را اولویت می‌بخشد، برهمین اساس در فرهنگ امریکا لذت ارزش محسوب می‌شود و در اقتصاد سود بیشتر هدف قرار می‌گیرد». از این‌رو باید فرهنگ غنی خویش از شبه فرهنگ‌ها و ضد ارزش‌ها را پالایش نمود (بهشتی‌نژاد، 1385).

4-2. سازماندهی فرهنگی:

در مهندسی فرهنگی هدف، ارائه طرح و برنامه‌های جامع و فراگیر همراه با نگاه و دیدی فرهنگی در تمامی حوزه‌ها و فعالیت‌ها در حیطه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. در مهندسی فرهنگی، فرهنگ به‌عنوان حلقه اصلی ارتباط معنایی و ماهوی و شکلی صوری، مفهوم پیدا می‌کند به طوری که بحث فرهنگ، آنچنان باید در این حیطه‌ها و حوزه‌ها عملیاتی شود که بتوان در خروجی و تولیدات آنها حضور عناصر و اجزاء فرهنگی را مشاهده کرد (حسینی، 1387، صص 60-57). همان طور که مقام معظم رهبری فرمودند:

هر طرحی باید پیوست فرهنگی داشته باشد. مهندسی فرهنگی، رویکردی به برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه فرهنگی است که با توجه به طبیعت متغیر فرهنگ به طراحی راهبردهای عملی برای حل مسائل و مشکلات ناشی از تعامل فرهنگ و توسعه می‌پردازد. مفهوم مهندسی با توجه به سقف انتظارات و نیازها و ضرورت‌ها متفاوت خواهد بود. یعنی مهندسی در وضعیت آسیب‌زدایی و ترمیم، رسالتش متفاوت از مهندسی در وضعیت تکامل یا احداث و ایجاد سازه‌های یک بنا است. مهندسی فرهنگی با این تفاسیر، عبارت است از ارائه یک نقشه و طرح کلی و جامع از نظام فرهنگی جامعه با ایجاد نسبت و ربطی منطقی میان متغیرهای فرهنگی جهت ایجاد و تأسیس نهادها و ساختارهای فرهنگی، ترمیم و اصلاح و تغییر نظام فرهنگی و تکامل و توسعه نظام فرهنگی برای تحقق و رسیدن به فرهنگ تکاملی تمدن مورد نظر (بیانات مقام معظم رهبری، 26 آذر 1381).

4-3. انجام کنترل کارآمد در سطوح اجتماعی:

یکی از روش‌های مؤثر برای مقابله با تهدیدات امنیتی و تهاجم فرهنگی غرب را می‌توان سازماندهی نیروهای اجتماعی دانست. جوزف نای بین سازماندهی، کنترل و فرماندهی اجتماعی ارتباط برقرار می‌کند، زیرا قدرت نرم از برابری با قدرت فرماندهی برخوردار است، تا آنجا که اگر دولتی بتواند این توانمندی را در نظر دیگر دولت‌ها، مشروع جلوه دهد، در برابر خواسته‌هایش با کم‌ترین مخالفت مواجه خواهد شد. نای منابع قدرت نرم را در ایدئولوژی، فرهنگ جذاب، وابستگی متقابل و ارتباطات می‌داند (نای،1990)

به هر میزان قابلیت‌های عمومی کشورها در روند گسترش و نهادینه‌سازی ایدئولوژی افزایش یابد به طور طبیعی توانایی بیشتری برای مقابله با تهدیدات و تهاجم فرهنگی پیدا خواهد کرد. ایدئولوژی‌سازی جامعه از طریق فرآیندهای نرم‌افزاری و در روند الگوهای رفتار غیرمستقیم شکل می‌گیرد. به هر میزان نیروهای اجتماعی کشور در معرض رفتار غیرمستقیم قرار گیرد، طبیعی است که جریان‌های اطلاعات به‌عنوان بستر و محملی کارآمد، برای انتقال آزادی و ارزش‌های سیاسی و تأمین‌کننده منافع ملی نقش بیشتر و مؤثرتری را ایفا خواهند کرد. فرماندهی اجتماعی دارای شاخص‌های نرم‌افزاری است. به هر میزان که قابلیت یک سازمان برای حاکم ساختن هنجارهای اجتماعی و سیاسی افزایش یابد، به همان میزان نیز قادر خواهد بود تا زمینه‌های لازم برای کنترل رفتار اجتماعی را ایجاد نماید (متقی، 1387، صص205-204). بنابراین، سیاست‌گزاران، مسئولان و به طور کلی نظام سیاسی موظف است به وسیلۀ کنترل و فرماندهی روندهای اجتماعی، زمینه لازم را برای مقابله و رویارویی با تهدیدات نرم‌افزارانة فرهنگی در چهره تهاجم فرهنگی فراهم آورد.

4-4. باور به وجود دشمن و شناخت آنها:

یکی از گام‌های مهم در مبارزه و مقابله با دشمن، شناخت دشمن است، که این شناخت از ضروریات ابتدایی هر مبارزه و رویارویی است. شناخت دشمن و آگاهی از جایگاه و قدرت او از ضروریات عقلی است و عدم اطلاع کافی از دشمن، خطر شکست را درپی دارد.

برای شناسایی، کنترل و شکست دشمن لازم است اطلاعات کافی از اهداف دشمن، ریشه‌ها و علل دشمنی، روش‌های به‌کارگیری شده توسط دشمن و به بیان دیگر، توطئه‌شناسی یا روش‌شناسی دشمن، راهکارها و تاکتیک‌های مقابله با دشمن وجود داشته باشد. در این میان شناخت ابزارها، روش‌ها و تاکتیک‌های دشمن در جنگ نرم و نبرد فرهنگی، اهمیت مضاعف دارد و باید با شناخت منابع قدرت نرم جبهۀ خودی، ابزارها و منابع قدرت نرم جبهۀ دشمن را کنترل و بی‌اثر کرد (جوشقانی، 1389).

4-5. کنترل برنامه‌های رقیب در عرصه ماهواره‌ها:

ماهواره‌های موجود همواره بر فراز جهان، از طرفی بر زمین مسلط بوده و از طرف دیگر، تأمین‌کننده اهداف هدایت‌کنندگان آنها هستند و این نوع ارتباط بیشتر عملیات روانی و تهاجم فرهنگی است. از این‌رو باید مردم خود را از گرداب هولناک ماهواره‌ها نجات دهیم و از سوی دیگر، باید با برنامه‌های برون‌مرزی مقابله به‌مثل کنیم. باید با ارسال برنامه‌های مفید، اصیل و مهم‌تر از همه، جذاب برای ملت خود و سایر ملل، عرصه را بر استعمارگران تنگ نماییم. این عمل اگر با برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده صورت گیرد سرانجام موجب رونق اقتصادی، شکوفایی تمدن، فرهنگ و استعدادهای بالقوۀ درونی و چندین تأثیر مثبت دیگر خواهد شد. پس به طور کلی باید دو اقدام عمده در خصوص درمان و مقابله در این جنگ نابرابر صورت گیرد (متفکر، 1388).

4**-5-1) اقدامات درون‌مرزی:** در این زمینه، مهم‌ترین اقدامی که می‌تواند صورت گیرد، افزایش سطح آگاهی مردم از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی است. تبیین این حقیقت که برنامه‌های ماهواره‌ای چه عواقب سوئی در پی دارد، وقتی مؤثر است که اعضای یک جامعه به عواقب آن آگاه باشند. قدر مسلم گام مهم و جدی در جلوگیری از اشاعۀ برنامه‌های ماهواره‌ای برداشته خواهد شد.

4-5-2) اقدامات برون‌مرزی: اقدامات درون‌مرزی کافی نبوده و نیاز مبرم به اقدامات برون‌مرزی نیز وجود دارد. نخستین گام در این زمینه، ارائه برنامه‌های برون‌مرزی مشتمل بر مسائل فرهنگی، مذهبی و تبلیغی است. این عملکرد شاید در نظر اول منطقی جلوه نکند و گمان رود که نیازی به این کار نباشد، ولی با تعمق و ژرف‌نگری در این مسئله لزوم آن آشکار می‌شود. ارائه چنین برنامه‌هایی اگر از طریق ماهواره باشد بهتر و تأثیر آن بیشتر خواهد بود (متفکر، 1388).

4-6. شناخت‌شناسی شاخص‌های تهاجم فرهنگی و اشاعه آلترناتیوها:

تهاجم فرهنگی به طور کلی دارای شاخص‌هایی مهم در عرصه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است که باید شاخص‌های مهم آن شناسایی شود. برخی از شاخص‌های تهاجم فرهنگی در جدول زیر نشان داده شده‌اند (نائینی، 1389):

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| ردیف | شاخص‌های فرهنگی | شاخص‌های اجتماعی | شاخص‌های سیاسی |
| 1 | تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های پایه | از خود بیگانگی و بحران هویت | تغییر ترجیحات سیاسی |
| 2 | تغییر الگوهای شناختی | کاهش انسجام اجتماعی | رواج بی‌تفاوتی سیاسی |
| 3 | گرایش به الگوهای غربی | کاهش روحیه ملی | افزایش مطالبات سیاسی |
| 4 | گرایش به رسانه‌های غربی | افزایش گسست ملی | افزایش واگرایی ملی |
| 5 | رواج گرایش‌های خرافی | القای احساس ناامنی اجتماعی | آمادگی برای نافرمانی مدنی |
| 6 | ترویج نسبی‌گرایی | تشدید آسیب‌های اجتماعی | رواج لیبرالیسم |
| 7 | القای ناکارآمدی دین در جامعه | تغییر آداب و رسوم | بحران مشروعیت سیاسی |
| 8 | کاهش خودباوری ملی | رواج فمونیسم | رواج و نشر شایعه و شبهات سیاسی |
| 9 | افزایش سلفی‌گری | افزایش بی‌اعتمادی عمومی | افزایش تنش‌های سیاسی |
| 10 | ترویج محصولات فرهنگی غرب | کاهش رضایت از زندگی | کاهش اعتماد به رسانه ملی |
| 11 | ترویج سبک زندگی غربی | رواج احساس تبعیض و بی‌عدالتی |  |
| 12 | کاهش رفتارهای مذهبی | ترویج واگرایی قومی |  |
| 13 | تغییر نگرش به پوشش | کاهش سرمایه‌های اجتماعی |  |

پس از شناخت این شاخص‌ها، باید برای تمامی تاکتیک‌های یاد شده، راه حلی پیدا کرد تا به مثابه یک آلترناتیو آنها را خنثی کند و دست‌کم از چالش پیش رو یک فرصت مناسب به دست دهد.

4-7. درک و فهم فرهنگ اسلامی - ایرانی

گام دیگر در مبارزه با تهاجم فرهنگی شناخت فرهنگ غنی اسلامی و عناصر فرهنگی آن است؛ افزون بر این باید عناصر مقبول فرهنگ ملی و آداب و رسوم اجتماعی، ذخایر فرهنگیِ با ارزش تلقی شده، زنده نگه داشته شوند. در این خصوص آگاهی بخشیدن به نوجوانان و جوانان از طریق مأنوس کردن آنان با مفاخر و مواریث فرهنگی از اهمیت خاصی دارد. به عقیدۀ بسیاری از صاحب‏نظران، اعتلای فرهنگ ایرانی - اسلامی و ایجاد حس غرور و افتخار در جوانان و نوجوانان، این وارثان واقعی ارزش‏های گران‏بهای فرهنگ خودی، گامی اساسی است که باید برای مبارزۀ بی‏امان با تهاجم فرهنگی غرب برداشته شود.

یک جوان مسلمان ایرانی باید بداند که وارث چه نوع فرهنگی است. می‏توان با تقویت نیروی ایمان و با تأکید بر فرهنگ و سنت‏های خودی و بزرگ جلوه‏دادن نقاط قوت آنها، تمام آحاد جامعه، به‌ویژه نوجوانان و جوانان کشور را در برابر چنین تهاجمی مقاوم کرد؛ همچنین از این طریق می‏توان احساس حقارت را در این گروه از بین برد و روحیۀ سازندگی و امید را در آنان تقویت کرد (فیاض، ۱۳۷۲).

البته مواردی که در بالا به‌عنوان راهکارهای مقابله با تهاجم فرهنگی ارائه شد تنها معدودی از راهبردهاست و با تلاش بیشتر می‌توان بر تعداد راهکارهای منطقی افزود.

4-8. **تقویت و پربار کردن فعالیت‌های فرهنگی و هنری:**

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، نیروهای فرهنگی نقش بسیار حساس و مهمی در باورسازی وجود تهاجم فرهنگی و مقابله با آن را دارند. ایشان با بیان اینکه حرکت عظیم انقلاب اسلامى هنوز در اوایل راه خود است، با تأکید بر تأثیر هنر می‌فرمایند:

من به شما عرض می‌کنم که این حرکت عظیم انقلاب اسلامى، یک حرکت تمام شده نیست. حالا یک گوشۀ از لشکر آن من و شماییم که حالا یک ذره مثلاً اهل ادب و فرهنگ و این‌ها محسوب می‌شویم؛ "و لله جنود السّماوات والارض"؛ ... این حرکت عظیمى که با انقلاب اسلامى شروع شد، یک حرکت تمام شده نیست؛ مطلقاً تمام شده نیست، آن حرکت ادامه دارد. همینى که حالا معمول شده که در بیان‌ها و در تلویزیون و توى تبلیغات و توى دادگاه و توى زبان همه، می‌گویند: جنگ نرم؛ راست است، این یک واقعیت است؛ یعنى الآن جنگ است. البته این حرف را من امروز نمی‌زنم، من از بعد از جنگ، از سال 67 همیشه این را گفته‏ام؛ بارها و بارها. علت این است که من صحنه را می‏بینم؛ چه بکنم اگر کسى نمی‏بیند؟! .... این تمام نشده. چون تمام نشده، همه وظیفه داریم. وظیفۀ مجموعۀ فرهنگى و ادبى و هنرى هم وظیفۀ مشخصى است: بلاغ، تبیین؛ بگویید، خوب بگویید. من همیشه تکیه بر این می‌کنم: بایستى قالب را خوب انتخاب کنید و هنر را بایستى تمام‌عیار توى میدان بیاورید؛ نباید کم گذاشت، تا اثر خودش را بکند (بیانات مقام معظم رهبری، 14 شهریور 1388).

**4-9. اتحاد مردم و جریان‌های سیاسی و دوری از اختلاف و تردید و بدبینی**

دشمنان نظام همواره سعی کرده‌اند با ایجاد اختلاف، چند دسته‌گی و تقابل و سرانجام درگیری بین اقوام و مذاهب گوناگون و همچنین تنش بین جریان‌های سیاسی، هم در بُعد ملی و هم در سطح جهان اسلام به اهدافشان برسند. مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند:

دشمن در جنگ نرم [تهاجم فرهنگی] تلاش دارد با استفاده از ابزارهای فرهنگی و ارتباطاتی پیشرفته و با شایعه و دروغ‌پراکنی و استفاده از برخی بهانه‌ها، میان آحاد مردم تردید، بدبینی، و اختلاف ایجاد کند ... در قضایای پس از انتخابات، به بهانه انتخابات، ایجاد تردید و اختلاف کردند تا دل‌های مردم نسبت به یکدیگر و نسبت به مسئولان چرکین شود و در چنین فضای مشوش و شلوغی، عناصر مغرض، خائن و دست‌آموز خود را برای کارهای اخلال‌گرانه وارد صحنه کنند، اما به دلیل بصیرت مردم به نتیجه نرسیدند ... هر اقدامی که موجب مغشوش و تهمت‌آلود شدن فضا شود و مردم را نسبت به یکدیگر بدبین و مردد کند، به ضرر کشور است ... من اصرار دارم که آحاد مردم و جریانات مختلف سیاسی، همه با یکدیگر متحد، در مقابل آن افراد معدودی باشند که مخالف اصل انقلاب و استقلال کشور هستند و هدف آنها تقدیم کشور به امریکا و استکبار است ... به کسانی که به‌دنبال مصالح کشور هستند، توصیه می‌کنم، از این اختلاف‌‌‌های جزئی، و غیراصولی صرفنظر کنند (بیانات مقام معظم رهبری، 4 آذر 1388).

ایشان همچنین با تأکید بر تحکیم وحدت و بروز نشانه‌های آن می‌فرمایند:

امروز نشانه‌های وحدت عمومی و همدلی مردم قابل مشاهده است که مناظر بی‌نظیر آن، حضور مردم در نمازهای جمعه ماه مبارک رمضان، حضور گسترده در راهپیمایی روز قدس، و حضور با عظمت در نماز عید فطر در سراسر کشور است ... همه باید در مقابل این وحدت سر تعظیم فرود آورند و در جهت تحکیم آن تلاش کنند ... باید هر آنچه که امکان‌پذیر است در جهت حفظ و تقویت وحدت مذهبی، و وحدت قومی، تلاش شود(بیانات مقام معظم رهبری، 4 آذر 1388).

**4-10. بصیرت آحاد جامعه و به‌ویژه نخبگان**

یکی از مهم‌ترین راهبردهای ارائه شده و مورد تأکید مقام معظم رهبری، به‌ویژه پیرامون حوادث پس از انتخابات و فتنه اخیر، برای مقابله با جنگ نرم، "بصیرتِ" آحاد جامعه به‌ویژه خواص و نخبگان است. ایشان می‌فرمایند:

بصیرت قطب‌نمای حرکت صحیح در اوضاع اجتماعی پیچیده امروز است به گونه‌ای که اگر کسی این قطب‌نما را نداشت و نقشه‌خوانی بلد نبود ممکن است ناگهان خود را در محاصره دشمن ببیند. اگر بصیرت نباشد، انسان حتی با نیت خوب ممکن است گمراه شود و در راه بد قدم بگذارد (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، 15 مهر 1388).

معظم‌له دلیل تمرکز دشمن روی خواص را نفوذ آنها در میان مردم دانسته و می‌فرمایند:

امروز به گمان من هدف و آماج دشمن خواص است. آماج دشمن خواص است. می‌نشینند طراحی می‌کنند تا ذهن خواص را عوض کنند، برای اینکه بتوانند مردم را بکشانند، چون خواص تأثیر می‌گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند. یکی از وظایف اصلی امروز من و شما همین است. ما بصیرت خودمان را در مسائل گوناگون تقویت کنیم و بتوانیم ان‌شاء‌الله بصیرت مخاطبان و مستمعان خودمان را هم زیاد کنیم (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، 15 مهر 1388).

ایشان با تأکید بر نقش نخبگان و خواص جامعه در اشاعه بصیرت می‌فرمایند:

بصیرت مهم است. نقش نخبگان و خواص هم این است که این بصیرت را نه فقط در خودشان، در دیگران هم به‌وجود بیاورند. آدم گاهی می‌بیند که متأسفانه بعضی از نخبگان خودشان هم دچار بی‌بصیرتی‌اند نمی‌فهمند. اصلاً ملتفت نیستند. یک حرفی یکهو به نفع دشمن می‌زنند. به نفع جبهه‌‌ای که همتش نابودی بنای جمهوری اسلامی است (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، 21 مرداد 1388).

4-11. **ایستادگی و عدم سازش در برابر دشمنان انقلاب و نظام اسلامی:**

شاید بتوان صلابت و ایستادگی حضرت امام، مقام معظم رهبری و ملت ایران اسلامی را بر سر ارزش‌ها، در برابر فتنه‌ها، فزون‌خواهی‌ها، فشارها و تهدیدهای دشمنان جمهوری اسلامی، رمز موفقیت نظام در مهار جنگ نرم دشمنان دانست. رهبر معظم انقلاب در این رابطه می‌فرمایند:

به صراحت اعلام می‌کنیم ما با استکبار و نظام سلطه و تسلط چند کشور بر جهان مخالفیم و نخواهیم گذاشت این چند دولت با سرنوشت دنیا بازی کنند.

ایشان در دیدار مردم مازندران، حجت را بر استکبار جهانی و جریان مصلحت‌اندیش، سازش‌کار و تحمیل‌گر داخلی تمام کردند و فرمودند:

در مقاطعی برخی طراحی‌های دشمن برای وادار کردن نظام اسلامی به باج دادن بوده است. **اما امام(ره) بزرگوار هیچ‌گاه باج ندادند و همه بدانند ما نیز از طرف ملت ایران و از طرف خود به هیچ‌کس باج نخواهیم داد.** ملت ایران می‌خواهد ملتی مستقل، پویا، حرکت‌کننده به جلو، عامل به احکام اسلامی و قدرتمند برای دفاع از حقوق و عقاید خود باشد. آیا این خواسته بحق جرم است؟ (بیانات حضرت امام خامنه‌ای، 16 بهمن 1388).

**4-12. بازنگری در علوم انسانی با توجه به فرهنگ اسلامی- ایرانی**

علوم انسانی علمی است که در آن دیدگاه و نظریه‌های و تجربه‌های بشر در مورد موضوعات مختلف با عقل بشر مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مورد علوم انسانی موجود در کشور باید بیان شود که چارچوب و ساختار این علم براساس تفکرات فرهنگ غرب شکل گرفته است. متأسفانه کار اصلی اساتید و محققان این رشته (به‌ویژه در علوم سیاسی) در ایران ترجمه کتب غربی و ارائه آن با عنوان کتب درسی در دانشگاه‌ها می‌باشد. بنابراین متأسفانه امروز، در دانشگاه‌های کشور دیدگاه‌ها و نظریات غرب در مورد جهان که پایه و اساس آن بر سکولاریسم، اومانیسم، ماتریالیسم و جمهوری‌خواهی استوار است، تدریس می‌شود و تفکرات دانشجویان ما را براساس چارچوب نظریات غرب شکل می‌دهد. خلاصه، امروزه نخبگان فکری و ابزاری کشور باید درصدد باشند علومی را در دانشگاه‌ها به دانشجویان عرضه کنند که براساس ساختار و چارچوب تفکر ایرانی - اسلامی باشد و از این طریق بتوانند فرهنگ ایرانی را شکوفا و بارور کنند (بی نام، 1390، ص1).

4-13. مقاوم‌سازی فرهنگ‌های اصیل

به طور معمول در جنگ نرم و تهاجم فرهنگی، هدف دشمنان به سوی فرهنگ و ارزش‌های اصیل و کارآمد است و در این مسیر تلاش می‌کنند تا این‌گونه فرهنگ‌ها را مستهلک سازند و از میزان محبوبیت و کارآمدی آنها بکاهند و در این مسیر از انواع ابزارها استفاده می‌کنند. برای اینکه بتوانیم از فرهنگ‌های اصیل اسلامی و ایرانی خویش محافظت کنیم باید بر میزان مقاومت و ایستایی آنها بیفزاییم. از راه‌های مقاوم‌سازی فرهنگ‌های حاکم در جامعه این است که این فرهنگ‌ها درونی شوند تا سیستم آموزش و پرورش کشور بتواند فرهنگ‌های مثبت را بین دانش‌آموزان و محصلین خویش نهادینه کند و به درستی آنها را آموزش دهد. در ابعاد بین‌المللی هم باید به شبهات موجود پاسخ داده و از فرهنگ خودی دفاع شود. باید کارگروه‌های فرهنگی در فضای سایبر فعال شوند تا به ترویج و دفاع از ارزش‌های اسلامی و ایرانی بپردازند. در عین حال باید زمینه‌های تعامل فرهنگی، ارتباط میان متولیان فرهنگی کشور با سایر کشورهای صاحب تمدن و فرهنگ غنی را فراهم آورد تا از دستاوردهای فرهنگی آنها برای پویایی فرهنگ خودی بهره گرفته شود.

**نتیجه‌گیری**

فرهنگ یکی از دستاوردهای تمدن بشری است که بسیار برای ملت‌ها حائز اهمیت است. در ابتدای امر، بازیگران و دولت‌ها مترصد تعامل و ارتباط فرهنگی بودند اما پس از مدتی، محیط سیاسی و بین‌الملل به عرصه تقابل فرهنگ‌ها مبدل شد. به عبارتی، فرهنگ‌های هژمون درصدد برآمدند تا بر سایر فرهنگ‌ها فائق آیند و این امر زمینه‌های تهاجم فرهنگی را به وجود آورد. تهاجم فرهنگی هجومی است از سوی یک نظام فرهنگی خاص به نظام فرهنگی دیگر که از طریق شیوه‌ها و ابزارهای خاص فرهنگی و به صورت یک‌جانبه و ناگهانی صورت می‌گیرد و هدف اساسی آن، جایگزینی ارزش‌ها، روش زندگی، اخلاقیات و نظام مکتبی فرهنگ مهاجم به جای ارزش‌ها، عقاید، روش زندگی، اخلاقیات و نظام مکتبی فرهنگ مورد تهاجم است. مهاجمان فرهنگی برای چیره شدن بر حریف، از ابزارهای متنوعی چون: کتاب، نشریات، رادیو، تلویزیون، سینما، اسباب بازی‌ها، پوستر و عکس، ابزارهای ارتباطی نوین، رواج کالاهای مصرفی، رواج مصرف‌گرایی، تبلیغات گسترده و غیره بهره می‌گیرند. آنچه در مجموع می‏توان به آن دست یافت این است که براساس نظم نوین جهانی، تهاجم فرهنگی غرب به‌ویژه امریکا علیه سایر فرهنگ‏ها در حال انجام است و این امر با گسترش فناوری ارتباطات، شدت، سرعت و پیچیدگی بیشتری پیدا کرده است. امریکا که داعیۀ سرپرستی جهان را در سر می‏پروراند و خواستار نظامی تک‏قطبی است، هیچ فرهنگ رقیبی را که مخالف این سیاست باشد، تحمل نخواهد کرد. به یقین فرهنگ اسلامی از این قاعده مستثنی نخواهد بود و در رأس کشورهای اسلامی، ایران به واسطۀ انقلاب اسلامی و مخالفت علنی آن با قدرت‏طلبی امریکا مورد هجوم بیشتری قرار گرفته و خواهد گرفت؛ بنابراین به منظور مقابله با این هجوم، باید تمام ترفندها و حیله‏های فرهنگ مهاجم شناخته شود و سپس ابزار کافی برای مقابله با آن فراهم گردد. از جمله راهکارهای مقابله با تهاجم فرهنگی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: فیلترینگ فرهنگی، سازماندهی فرهنگی یا مهندسی فرهنگی، کنترل کارآمد عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی، شناخت شاخص‌های تهاجم فرهنگی و تدوین تاکتیک‌های مؤثر، درک و فهم اسلامی - ایرانی، مقابله با برنامه‌های ماهواره‌ای، اعتقاد به وجود دشمنان فرهنگی، مقاوم‌سازی فرهنگ‌های اصیل، **بازنگری در علوم انسانی با توجه به فرهنگ اسلامی - ایرانی، ایستادگی و عدم سازش در برابر دشمنان انقلاب و نظام اسلامی**، **بصیرت آحاد جامعه و به‌ویژه نخبگان، تقویت و پربار کردن فعالیت‌های فرهنگی و هنری، تقویت و پربار کردن فعالیت‌های فرهنگی و هنری،** درک و فهم فرهنگ اسلامی - ایرانی **و** غیره.

منابع:

در نسخه چاپی فصلنامه موجود می‌باشد.

1. . کارشناسی ارشد پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی [↑](#footnote-ref-1)
2. **culture.**  [↑](#footnote-ref-2)
3. **Knowledge.**  [↑](#footnote-ref-3)
4. **Teghnic.**  [↑](#footnote-ref-4)
5. **Literature.**  [↑](#footnote-ref-5)
6. **Science.**  [↑](#footnote-ref-6)
7. **Cognize.**  [↑](#footnote-ref-7)
8. **Training.** [↑](#footnote-ref-8)
9. ***Servers***. [↑](#footnote-ref-9)